

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸
درآمد عملیاتی

سازمان
حسابداری

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸
درآمد عملیاتی

فهرست مندرجات

از بند

۱	هدف
۷	دامنه کاربرد
۹	تعاریف
۱۳	اندازه‌گیری درآمد عملیاتی
۱۴	تشخیص معامله
۲۰	فروش کالا
۲۹	ارائه خدمات
۳۵	بهره، حق امتیاز و سود تقسیمی
۳۷	افشا
	تاریخ اجرا

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸ درآمد عملیاتی

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸ درآمد عملیاتی

هدف

بنا بر تعریف ارائه شده در چاپهوب تهیه و ارائه صورتهای مالی^۱، درآمد عبارت است از افزایش در منافع اقتصادی طی دوره حسابداری در قالب جریان ورودی یا افزایش داراییها یا کاهش بدھیها، به غیر از افزایش از محل آورده مشارکت‌کنندگان در حقوق مالکانه، که موجب افزایش در حقوق مالکانه می‌شود. درآمد، دربردارنده درآمدهای عملیاتی و سودها می‌باشد. درآمد عملیاتی، درآمدی است که در روال فعالیتهای عادی واحد تجاری حاصل می‌شود و با نامهای مختلف از جمله فروش، حق‌الزممه، بهره، سود تقسیمی و حق امتیاز، مورد اشاره قرار می‌گیرد. هدف این استاندارد، تجویز نحوه حسابداری درآمد عملیاتی حاصل از انواع خاص معاملات و رویدادها است.

موضوع اصلی در حسابداری درآمد عملیاتی، تعیین زمان شناخت درآمد عملیاتی زمانی شناسایی می‌شود که جریان ورود منافع اقتصادی آتی به واحد تجاری محتمل باشد و بتوان این منافع را بطور قابل اتكا، اندازه‌گیری کرد. این استاندارد شرایطی را مشخص می‌کند که در آن شرایط معیارهای یادشده احراز می‌شود و در نتیجه، درآمد شناسایی می‌گردد. این استاندارد، همچنین رهنمودهای عملی برای بکارگیری این معیارها ارائه می‌کند.

دامنه کاربرد

۱. این استاندارد باید برای حسابداری درآمد عملیاتی حاصل از معاملات و رویدادهای زیر بکار گرفته شود:
 - الف. فروش کالا؛
 - ب. ارائه خدمات؛ و
 - پ. استفاده دیگران از داراییهای واحد تجاری که مولد بهره، حق امتیاز و سود تقسیمی است.
۲. این استاندارد، جایگزین استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸ شناخت درآمد تصویب شده در سال ۱۹۸۲ می‌شود.
۳. کالا شامل کالای تولیدشده توسط واحد تجاری به قصد فروش و کالای خریداری شده برای فروش مجدد، مانند کالای خریداری شده توسط خرده‌فروش یا زمین و سایر املاک نگهداری شده برای فروش مجدد است.

۱. در سال ۲۰۰۱، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، چاپهوب تهیه و ارائه صورتهای مالی کمیته استانداردهای بین‌المللی حسابداری را پذیرفت. در سپتامبر سال ۲۰۱۰، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، مفاهیم نظری گزارشگری مالی را جایگزین چاپهوب کرد.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸

درآمد عملیاتی

۴. ارائه خدمات معمولاً متنضم اجرای وظیفه‌ای مورد توافق، در مدتی توافقی، توسط واحد تجاری است. خدمات ممکن است طی یک یا چند دوره ارائه شود. برخی قراردادهای ارائه خدمات، بطور مستقیم با پیمانهای ساخت ارتباط دارند، از آن جمله می‌توان به قراردادهای خدمات مدیران پروژه و معماران اشاره کرد. درآمد عملیاتی ناشی از این قراردادها، مشمول این استاندارد نیست بلکه طبق الزامات پیمانهای ساخت که در استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۱ پیمانهای ساخت تعیین شده است، در مورد آن عمل می‌شود.
۵. استفاده دیگران از داراییهای واحد تجاری، به شکلهای زیر درآمد عملیاتی ایجاد می‌کند:
- الف. بهره- هزینه استفاده از نقد یا معادلهای نقد یا مبالغ قابل پرداخت به واحد تجاری؛
 - ب. حق امتیاز- هزینه استفاده از داراییهای بلندمدت واحد تجاری، برای مثال، حق اختراع، علایم تجاری، حق تکثیر و نرم‌افزار رایانه؛ و
 - پ. سود تقسیمی- توزیع سود به دارندگان سرمایه‌گذاریهای مالکانه متناسب با میزان مالکیت آنها در طبقه خاصی از سرمایه.
۶. در این استاندارد، درآمد عملیاتی حاصل از موارد زیر مطرح نمی‌شود:
- الف. موافقتنامه‌های اجره (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۷ ارجاع شود)؛
 - ب. سود تقسیمی حاصل از سرمایه‌گذاریهایی که حسابداری آنها به روش ارزش ویژه انجام می‌شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۸ سرمایه‌گذاری در واحدهای تجارتی وابسته و مشارکتهای فاصله مراجعه شود)؛
 - پ. قراردادهای بیمه در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۴ قراردادهای بیمه؛
 - ت. تغییر در ارزش منصفانه داراییهای مالی و بدھیهای مالی یا واگذاری آنها (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ ابزارهای مالی؛ شناخت و اندازه‌گیری مراجعه شود)؛
 - ث. تغییر در ارزش سایر داراییهای جاری؛
 - ج. شناخت اولیه و ناشی از تغییر در ارزش منصفانه داراییهای زیستی مربوط به فعالیت کشاورزی (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۴۱ کشاورزی مراجعه شود)؛
 - چ. شناخت اولیه تولید کشاورزی (به استاندارد بین‌المللی حسابداری ۴۱ مراجعه شود)؛ و
 - ح. استخراج منابع معدنی.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸

درآمد عملیاتی

تعاریف

۷. در این استاندارد، اصطلاحات زیر با معانی مشخص زیر بکار رفته است:

درآمد عملیاتی ناچالص جریان ورود منافع اقتصادی طی دوره است که از فعالیتهای عادی واحد تجاری ناشی می‌شود و این جریان ورودی، منجر به افزایش در حقوق مالکانه می‌گردد، به جز افزایشیهای مربوط به آورده مشارکت‌کنندگان در سرمایه.

ازش منصفانه قیمتی است که برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدھی در معامله‌ای متعارف بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود. (به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه مراجعه شود).

درآمد عملیاتی تنها شامل ناچالص جریان ورود منافع اقتصادی دریافتی و دریافتی توسط واحد تجاری و به حساب واحد تجاری است. مبالغی که به نمایندگی از طرف اشخاص ثالث وصول می‌شود، مانند مالیات فروش، مالیات کالا و خدمات و مالیات ارزش افزوده، جریان ورود منافع اقتصادی به واحد تجاری محسوب نمی‌شود و حقوق مالکانه را افزایش نمی‌دهد. بنابراین، این موارد درآمد عملیاتی محسوب نمی‌شود. همچنین، در یک رابطه نمایندگی، ناچالص جریان ورود منافع اقتصادی، مبالغ وصولی به نمایندگی از کارگمار که منجر به افزایش در حقوق مالکانه واحد تجاری نمی‌شود را شامل می‌شود. مبالغ وصولی به نمایندگی از کارگمار، درآمد عملیاتی محسوب نمی‌شود. بلکه کارمزد، درآمد عملیاتی می‌باشد.

اندازه‌گیری درآمد عملیاتی

۹. درآمد عملیاتی باید به ارزش منصفانه مابهازی دریافتی یا دریافتی اندازه‌گیری شود.^۲

۱۰. مبلغ درآمد عملیاتی حاصل از معامله، بطور معمول بر اساس موافقتنامه‌ای بین واحد تجاری و خریدار یا استفاده‌کننده دارایی، تعیین می‌شود. این مبلغ به ارزش منصفانه مابهازی دریافتی یا دریافتی با در نظر گرفتن هرگونه تخفیف تجاری و تخفیف مقداری، اندازه‌گیری می‌شود.

۱۱. در بیشتر موارد، مابهازا به شکل نقد یا معادلهای نقد است و مبلغ درآمد عملیاتی برابر با مبلغ نقد یا معادلهای نقد دریافتی یا دریافتی است. با وجود این، در صورتی که جریانهای ورودی نقد یا معادلهای نقد به تعویق بیفتند، ارزش منصفانه مابهازا ممکن است از مبلغ اسمی نقد دریافتی یا دریافتی، کمتر باشد. برای مثال، ممکن است واحد تجاری برای خریدار اعتبار بدون بهره فراهم آورد یا سند دریافتی با نرخ بهره‌ای کمتر از نرخ بهره بازار را به عنوان مابهازی فروش کالا، از خریدار دریافت نماید. در صورتی که توافق، در عمل، دربرگیرنده معامله تأمین مالی باشد، ارزش منصفانه مابهازا از طریق تنزیل

.۲. به تفسیر ۳۱ کمیته تفاسیر مباحث جاری درآمد عملیاتی- معاملات پایاپایی که متشتمن خدمات تبلیغاتی است مراجعه شود.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸

درآمد عملیاتی

تمام دریافت‌های آتی با استفاده از نرخ بهره ضمنی تعیین می‌شود. هر کدام از نرخهای زیر که با وضوح بیشتری قابل تعیین باشد، نرخ بهره ضمنی تلقی می‌شود:

- الف. نرخ رایج برای ابزار مشابه ناشری که از رتبه اعتباری مشابهی برخوردار است؛ یا
- ب. نرخ بهره‌ای که مبلغ اسمی ابزار را به قیمت فروش نقدی فعلی کالا یا خدمات تنزیل می‌کند.
۱۲. هرگاه کالا یا خدمات در قبال کالا یا خدماتی که از لحاظ ماهیت و ارزش مشابه است، مبادله یا معوضه گردد، این مبادله به عنوان معامله‌ای درآمده‌ای محسوب نمی‌شود. این موضوع اغلب برای کالاهایی نظری نفت یا شیر مصدق دارد که عرضه‌کنندگان، موجودیها را در مکانهای مختلف مبادله یا معوضه می‌کنند تا تقاضای مشتریان در مکانی خاص به موقع تأمین شود. در صورتی که کالا یا خدمات در ازای کالا یا خدمات غیرمشابه به فروش رسید یا ارائه شود، این مبادله به عنوان معامله‌ای درآمده‌ای نفت می‌شود. در این حالت، درآمد عملیاتی به ارزش منصفانه کالا یا خدمات دریافتی، پس از تعديل بابت هرگونه نقد یا معادلهای نقد انتقال یافته اندازه‌گیری می‌شود. هرگاه ارزش منصفانه کالا یا خدمات دریافتی، به‌گونه‌ای قابل اتکا، قابل اندازه‌گیری نباشد، درآمد عملیاتی به ارزش منصفانه کالا یا خدمات واگذارشده، پس از تعديل بابت مبلغ هرگونه نقد یا معادلهای نقد انتقال یافته اندازه‌گیری می‌شود.

تشخیص معامله

۱۳. معیارهای شناخت مندرج در این استاندارد، معمولاً برای هر معامله، جداگانه اعمال می‌شود. با وجود این، در شرایطی خاص، به منظور انکاس محتوای معامله، بکارگیری معیارهای شناخت برای اجزای یک معامله منفرد که بطور جداگانه قابل تشخیص هستند، ضرورت می‌یابد. برای مثال، هرگاه قیمت فروش محصول، شامل مبلغی قابل تشخیص بابت خدمات آتی باشد، این مبلغ به دوره‌های آتی انتقال می‌یابد و در دوره‌ای که خدمت ارائه می‌شود، به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی می‌گردد. در مقابل، هرگاه دو یا چند معامله به‌گونه‌ای به هم پیوسته باشد که اثر تجاری آنها، بدون توجه به مجموعه معاملات به عنوان یک مجموعه واحد قابل درک نباشد، معیارهای شناخت بطور یکجا برای آنها اعمال می‌شود. برای مثال، واحد تجاری ممکن است کالاهایی را به فروش رساند و در همان زمان، موافقتنامه‌ای جداگانه برای بازخرید همان کالاها در آینده، منعقد کند که در نتیجه، اثر محتوایی معامله فروش را نفی می‌کند؛ در چنین حالتی، هر دو معامله همراه با یکدیگر در نظر گرفته می‌شود.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸

درآمد عملیاتی

فروش کالا

۱۴. درآمد عملیاتی حاصل از فروش کالا، باید زمانی شناسایی شود که تمام شرایط زیر احراز شده باشد:
- الف. واحد تجاری، ریسکها و مزایای عده مالکیت کالا را به خریدار منتقل کرده باشد؛
 - ب. واحد تجاری، دخالت مدیریتی مستمر در حدی که بطور معمول به مالکیت مربوط است و کنترل مؤثر کالاهای فروش رفته را برای خود حفظ نکرده باشد؛
 - پ. مبلغ درآمد عملیاتی به گونه‌ای قابل اتنا، قابل اندازه‌گیری باشد؛
 - ت. جریان ورود منافع اقتصادی مرتبط با معامله به واحد تجاری محتمل باشد؛ و
 - ث. مخراجی که در ارتباط با معامله تحمل شده است یا تحمل خواهد شد، به گونه‌ای قابل اتنا قابل اندازه‌گیری باشد.
۱۵. تعیین زمان انتقال ریسکها و مزایای عده مالکیت به خریدار، مستلزم بررسی شرایط معامله است. در بیشتر موارد، انتقال ریسکها و مزایای مالکیت، با انتقال مالکیت قانونی یا واگذاری مورد معامله به خریدار، همزمان است. این موضوع در مورد اغلب خرده‌فروشیها صدق می‌کند. در سایر موارد، انتقال ریسکها و مزایای مالکیت در زمانی متفاوت از زمان انتقال مالکیت قانونی یا واگذاری مورد معامله واقع می‌شود.
۱۶. اگر واحد تجاری ریسکهای عده مالکیت را انتقال ندهد، این معامله، فروش نیست و درآمد عملیاتی شناسایی نمی‌شود. ممکن است واحد تجاری به شیوه‌های مختلف ریسکهای عده مالکیت را حفظ کند. مثالهایی از مواردی که ممکن است واحد تجاری ریسکها و مزایای عده مالکیت را حفظ کند به شرح زیر است:
- الف. زمانی که واحد تجاری بابت کارکرد نامناسب که جزئی از شرایط معمول ضمانتنامه نیست، متعهد باشد؛
 - ب. زمانی که کسب درآمد عملیاتی از فروشی خاص، مشروط به کسب درآمد توسط خریدار از محل فروش آن کالا باشد؛
 - پ. زمانی که کالا به شرط نصب، ارسال شود و نصب بخش قابل ملاحظه‌ای از قراردادی باشد که هنوز توسط واحد تجاری بطور کامل انجام نشده است؛ و
 - ت. زمانی که خریدار به دلیلی که در قرارداد فروش تعیین شده است، حق فسخ قرارداد خرید را داشته باشد و واحد تجاری نسبت به احتمال برگشت مطمئن نباشد.
۱۷. اگر واحد تجاری تنها بخش کم‌اهمیتی از ریسک مالکیت را حفظ کند، این معامله، فروش است و درآمد عملیاتی شناسایی می‌شود. برای مثال، فروشنده ممکن است تنها به دلیل حفظ قابلیت وصول مطالبات، مالکیت قانونی کالا را برای خود نگه دارد. در چنین حالتی، اگر واحد تجاری بخش عده

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸

درآمد عملیاتی

ریسکها و مزایای مالکیت را منتقل کند، این معامله، فروش است و درآمد عملیاتی شناسایی می‌شود. مثال دیگری از یک واحد تجاری که تنها بخش کم‌اهمیتی از ریسکهای مالکیت را حفظ کرده است، در خرده‌فروشی کالاست که در صورت عدم رضایت مشتری، وجه مربوط استرداد می‌شود. در چنین مواردی، در صورتی که فروشنده بتواند برگشتهای آتی را به‌گونه‌ای قابل انتکا برآورد کند و با توجه به تجربه گذشته و سایر عوامل مربوط، بدھی ناشی از برگشت کالا را شناسایی نماید، درآمد عملیاتی در زمان فروش شناسایی می‌شود.

۱۸. درآمد عملیاتی تنها زمانی شناسایی می‌شود که جریان ورود منافع اقتصادی مربوط به معامله به واحد تجاری، محتمل باشد. در برخی موارد، ممکن است این موضوع، تا زمان دریافت مابهازا یا رفع عدم‌اطمینان، محتمل نشود. برای مثال، ممکن است در صدور مجوز دولت خارجی برای خروج مابهازای فروش در کشور خارجی، عدم‌اطمینان وجود داشته باشد. پس از صدور مجوز، عدم‌اطمینان برطرف و درآمد عملیاتی شناسایی می‌شود. با وجود این، زمانی که در قابلیت وصول مبلغی که قبلًا به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی شده است، عدم‌اطمینان به وجود آید، مبلغ غیرقابل وصول یا مبلغی که بازیافت آن محتمل نیست، به جای تعديل مبلغ درآمد عملیاتی شناسایی شده اولیه، به عنوان هزینه شناسایی می‌شود.

۱۹. درآمدهای عملیاتی و هزینه‌های مرتبط با یک معامله یا هر رویداد دیگر، همزمان شناسایی می‌شود؛ این فرایند، عموماً تطابق درآمدهای عملیاتی و هزینه‌ها نامیده می‌شود. هزینه‌ها، از جمله مخارج ضمانت‌نامه‌ها و سایر مخارجی که پس از حمل کالا واقع می‌شود، زمانی که سایر شرایط شناخت درآمد احراز شود، معمولاً به‌گونه‌ای قابل انتکا، قابل اندازه‌گیری است. با وجود این، هرگاه هزینه‌ها به‌گونه‌ای قابل انتکا قابل اندازه‌گیری نباشد، درآمد عملیاتی را نمی‌توان شناسایی کرد؛ در چنین شرایطی، هرگونه مابهازای دریافتی بابت فروش کالا، به عنوان بدھی شناسایی می‌شود.

ارائه خدمات

۲۰. هرگاه ماحصل معامله‌ای که متنضم‌ن ارائه خدمات است، به‌گونه‌ای قابل انتکا قابل برآورد باشد، درآمد عملیاتی مربوط به معامله باید با توجه به میزان تکمیل معامله در پایان دوره گزارشگری شناسایی شود. ماحصل معامله، در صورتی به‌گونه‌ای قابل انتکا قابل برآورد است که همه شرایط زیر احراز شود:

- الف. مبلغ درآمد عملیاتی به‌گونه‌ای قابل انتکا، قابل اندازه‌گیری باشد؛
- ب. جریان ورود منافع اقتصادی مربوط به معامله به واحد تجاری محتمل باشد؛
- پ. میزان تکمیل معامله در پایان دوره گزارشگری، به‌گونه‌ای قابل انتکا قابل اندازه‌گیری باشد؛ و

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸

درآمد عملیاتی

ت. مخارج تحمل شده و مخارج تکمیل معامله، به گونه‌ای قابل اتکا، قابل اندازه‌گیری باشد.^۳

۲۱. شناخت درآمد عملیاتی بر اساس میزان تکمیل معامله، اغلب روش درصد تکمیل نامیده می‌شود. طبق این روش، درآمد در دوره‌های حسابداری که خدمات ارائه می‌شود، شناسایی می‌گردد. شناخت درآمد بر این مبنای، اطلاعات مفید درباره میزان فعالیت و عملکرد خدماتی طی دوره فراهم می‌کند. استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۱ نیز شناخت درآمد بر این مبنای را الزامی می‌کند. الزامات آن استاندارد عموماً برای شناسایی درآمدها و هزینه‌های مربوط به معاملاتی که متنضم ارائه خدمات است، کاربرد دارد.

۲۲. درآمد عملیاتی تنها زمانی شناسایی می‌شود که جریان ورود منافع اقتصادی مربوط به معامله به واحد تجاری محتمل باشد. با وجود این، زمانی که در قابلیت وصول مبلغی که قبلاً به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی شده است، عدم اطمینان به وجود آید، مبلغ غیرقابل وصول یا مبلغی که بازیافت آن محتمل نیست، به جای تعديل مبلغ درآمد عملیاتی شناسایی شده اولیه، به عنوان هزینه شناسایی می‌شود.

۲۳. بطور کلی، واحد تجاری پس از توافق با طرفهای دیگر معامله درباره موارد زیر، می‌تواند برآوردهای قبل اتکایی انجام دهد:

الف. حقوق قبل اعمال هر یک از طرفین با توجه به خدماتی که قرار است توسط طرفین ارائه و دریافت شود؛

ب. مابهایی که قرار است مبادله شود؛ و

پ. نحوه و شرایط تسویه.

معمولأً، داشتن سیستم بودجه‌ریزی و گزارشگری مالی درون‌سازمانی برای واحد تجاری ضروری است. واحد تجاری، در حین ارائه خدمات، برآوردهای مربوط به درآمد عملیاتی را بررسی و در صورت لزوم، در آنها تجدیدنظر می‌کند. ضرورت انجام این تجدیدنظرها لزوماً نشانه آن نیست که ماحصل معامله به گونه‌ای قبل اتکا قابل برآورد نباشد.

۲۴. ممکن است میزان تکمیل معامله به روشهای گوناگونی تعیین شود. واحد تجاری روشی را بکار می‌گیرد که خدمات انجام شده را به گونه‌ای قابل اتکا اندازه‌گیری کند. با توجه به ماهیت معامله، این روشهای ممکن است شامل موارد زیر باشد:

الف. بررسی کار انجام شده؛

ب. خدمات ارائه شده تا آن تاریخ مورد نظر به عنوان درصدی از کل خدماتی که باید ارائه شود؛ یا

پ. نسبت مخارج تحمل شده تا تاریخ مورد نظر به مجموع مخارج برآورده معامله. تنها، مخارجی که خدمات ارائه شده تا تاریخ مورد نظر را منعکس می‌کند، در مخارج تحمل شده تا آن تاریخ

۳. به تفسیر ۲۷ کمیته تفاسیر مباحث جاری ازیابی محتواهی معاملاتی که شکل حقوقی آنها، اجراه اسلت و تفسیر ۳۱ کمیته تفاسیر مباحث جاری درآمد عملیاتی - معاملات پایاپایی که متقاضیان خدمات تبلیغاتی است نیز مراجعه شود.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸

درآمد عملیاتی

منظور می‌شود. تنها مخارج خدمات ارائه شده یا خدماتی که قرار است ارائه شود، در مجموع مخارج برآورده معامله منظور می‌شود.

پرداختهای متناسب با پیشرفت کار و پیش‌دريافت از مشتریان، اغلب، خدمات ارائه شده را منعکس نمی‌کند.

۲۵. برای مقاصد عملی، هرگاه خدمات با تعداد نامعینی فعالیت طی دوره زمانی خاصی انجام شود، درآمد عملیاتی آن دوره بر مبنای خط مستقیم طی آن دوره زمانی شناسایی می‌شود، مگر آنکه شواهد موجود نشان دهد که روش‌های دیگر، میزان تکمیل معامله را بهتر منعکس می‌کند. هرگاه فعالیت خاصی نسبت به سایر فعالیتها از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار باشد، شناخت درآمد عملیاتی تا اجرای آن فعالیت بالهیمت به تعویق می‌افتد.

۲۶. هرگاه ماحصل معامله‌ای که متنضم ارائه خدمات است، به‌گونه‌ای قابل برآورد نباشد، درآمد عملیاتی باید تنها تا میزان هزینه‌های شناسایی شده قابل بازیافت شناسایی شود.

۲۷. در مراحل اولیه معامله، اغلب این موضوع مطرح است که ماحصل معامله به‌گونه‌ای قابل اتکا، قابل برآورد نیست. با وجود این، احتمال دارد که واحد تجاری مخارج تحمل شده معامله را بازیافت کند. بنابراین، درآمد عملیاتی تنها تا میزان مخارج تحمل شده‌ای شناسایی می‌شود که انتظار می‌رود قابل بازیافت باشد. چنانچه ماحصل معامله به‌گونه‌ای قابل اتکا برآورد نباشد، سود شناسایی نمی‌شود.

۲۸. هرگاه ماحصل معامله، به‌گونه‌ای قابل اتکا برآورد نباشد و بازیافت مخارج تحمل شده محتمل نباشد، درآمد عملیاتی شناسایی نمی‌شود و مخارج تحمل شده به عنوان هزینه شناسایی می‌شود. در صورت رفع عدم اطمینانهایی که مانع برآورد قابل اتکای ماحصل قرارداد شده است، درآمد عملیاتی به جای بند ۲۶، طبق بند ۲۰ شناسایی می‌شود.

بهره، حق امتیاز و سود تقسیمی

۲۹. درآمد عملیاتی ناشی از استفاده دیگران از داراییهای واحد تجاری که منجر به ایجاد بهره، حق امتیاز و سود تقسیمی می‌شود، در صورتی باید بر مبنای معیارهای تعیین شده در بند ۳۰ شناسایی شود که:

الف. جریان ورود منافع اقتصادی مربوط به معامله به واحد تجاری محتمل باشد؛ و

ب. مبلغ درآمد عملیاتی به‌گونه‌ای قابل اتکا قابل اندازه‌گیری باشد.

۳۰. درآمد عملیاتی باید با توجه به مبانی زیر شناسایی شود:

الف. بهره باید با استفاده از روش بهره مؤثر مندرج در بندهای ۹ و رب ۵ تا رب ۸ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ شناسایی شود؛

ب. حق امتیاز باید بر مبنای تعهدی، بر اساس محتوای موافقتنامه مربوط، شناسایی شود؛ و

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸

درآمد عملیاتی

پ. سود تقسیمی باید زمانی شناسایی شود که برای سهامدار نسبت به دریافت آن، حق ایجاد شده باشد.

۳۱. [حذف شد]

۳۲. هنگامی که بهره پرداخت نشده، پیش از تحصیل سرمایه‌گذاری دارای بهره تحقق یابد، دریافت بعدی بهره به دوره‌های پیش از تحصیل و پس از تحصیل تخصیص داده می‌شود؛ تنها بخش پس از تحصیل به عنوان درآمد عملیاتی شناسایی می‌شود.

۳۳. حق امتیازها، طبق شرایط مندرج در موافقتنامه مربوط، تحقق می‌بایند و معمولاً، بر مبنای آن شناسایی می‌شوند، مگر اینکه با توجه به محتوای موافقتنامه، شناسایی درآمد بر اساس مبانی سیستماتیک و منطقی دیگری، مناسب‌تر باشد.

۳۴. درآمد عملیاتی تنها زمانی شناسایی می‌شود که جریان ورود منافع اقتصادی مربوط به معامله به واحد تجاری محتمل باشد. با وجود این، هرگاه در قابلیت وصول مبلغی که قبلاً به عنوان درآمد عملیاتی در نظر گرفته شده است، عدم اطمینان به وجود آید شود، مبلغ غیرقابل وصول یا مبلغی که بازیافت آن غیرمحتمل شده است، به جای تعديل مبلغ درآمد عملیاتی شناسایی شده اولیه، به عنوان هزینه شناسایی می‌شود.

افشا

۳۵. واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. رویه‌های حسابداری بکار گرفته شده برای شناخت درآمد عملیاتی، شامل روش‌های بکار رفته برای تعیین میزان تکمیل معاملاتی که متناسب ارائه خدمات است؛

ب. مبلغ هر طبقه عمدہ درآمدهای عملیاتی شناسایی شده طی دوره، شامل درآمد ناشی از موارد زیر:

۱. فروش کالا؛

۲. ارائه خدمات؛

۳. بهره؛

۴. حق امتیاز؛

۵. سود تقسیمی؛ و

پ. مبلغ درآمد عملیاتی حاصل از مبالغه کالا یا خدماتی که در هر طبقه عمدہ درآمدهای عملیاتی منظور شده است.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸ درآمد عملیاتی

۳۶. واحد تجاری هرگونه بدھی احتمالی و دارایی احتمالی را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۷ ذکاید، بدھیهای احتمالی و داراییهای احتمالی افشا می‌کند. ممکن است بدھیهای احتمالی و داراییهای احتمالی، از مواردی مانند مخارج ضمانت‌نامه‌ها، ادعاهای جرائم یا زیانهای احتمالی ناشی شود.

تاریخ اجرا

۳۷. این استاندارد برای تمام صورتهای مالی که دوره مالی آنها از اول ژانویه سال ۱۹۹۵ یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گرفته می‌شود.

۳۸. مفاهیج سرمایه‌گذاری در واحد تجاری فرعی، واحد تجاری تحت کنترل مشترک یا واحد تجاری واپسنه (اصلاحات استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱ پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای نفسین با و استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲۷ صورتهای مالی تلفیق و جداگانه)، منتشرشده در می سال ۲۰۰۸، بند ۳۲ را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال ۲۰۰۹ یا پس از آن شروع می‌شود، با تسری به آینده بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری اصلاحات مندرج در بند ۴ و بند ۲۷ استاندارد بین‌المللی حسابداری را پیش از موعد بکار گیرد، باید مورد اصلاحی مندرج در بند ۳۲ را همزمان اعمال کند.

۳۹. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

۴۰. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

۴۱. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۱ توافقهای مشترک، منتشرشده در می سال ۲۰۱۱، بند ۶(ب) را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۱، اعمال کند.

۴۲. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳، منتشرشده در می سال ۲۰۱۱، تعریف ارزش منصفانه مندرج در بند ۷ را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این مورد اصلاحی را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اعمال کند.